

ماجرای هارون الرشید و گنبد حرم امیرالمؤمنین(ع)



تصویر از امام هارون الرشید

در برخی از متون تاریخی سده های میانی، از ساخت گنبدی روی قبر امیرمؤمنان علی^(ع) به‌دستور هارون الرشید سخن به‌میان آمده‌است؛ از این‌رو شماری از نویسندگان و تاریخ نگاران آستان مقدس علوی در سده اخیر، گنبد هارون را نخستین ساختمان روی قبر امام علی^(ع) دانسته‌اند.

گفتنی است از میان نویسندگان وپژوهشگران این حوزه، تنها صلاح الفروطوسی در تک نگاری مفصل خود درباره تاریخ حرم مطهر علوی، روایت مورد نظر را بانها نگار بررسی کرده ودر اعتبار تاریخی آن تشکیک کرده‌است.بااین حال آن‌را به‌طور کامل ردنکرده واحتمال ساخت گنبد به‌دست هارون راوارد دانسته است.

● پیشینه روایت ساخت گنبد امام علی(ع) به‌دست هارون الرشید در شماری ازمنابع تاریخی سده‌های میانی، روایت زیارت قبر امام علی^(ع) ازسوی هارون الرشید.که‌در آن زمان برای عموم پنهان وناشناخته بود،گزارش شده است. شیخ مفید ازنخستین کسانی است که این‌روایت را درکتاب ارشاد خود نقل کرده است. چکیده روایت چنین است:

روزی هارون به‌قصد شکار به‌ناحیه ثویه وغریبن (موقعیت نجف کنونی) رفته بود. آهوپی از ترس او به‌زمینی بلند پناه برد که‌سگ‌ها وپاوهایی شکاری وارد آن نمی‌شدند. هارون ازیکی ازپیران بنی اسد درباره آن‌بلندی پرسید واو پاسخ داد که:ازپدران خود شنیده که‌آنجا قبر امام علی^(ع) است. هارون وضو گرفت. آنجا نمازگزارد وپس از زیارت وتضرّع بازگشت.

در سده هشتم هجری، عبدالکریم بن طاووس درکتاب مشهورش فرحة الغری، همین روایت را به‌استنادش به‌شیخ مفید نقل کرده است. همو درادامه، به‌وجود تحریر دیگری ازاین روایت، بااسناد متفاوتی از اسناد شیخ مفید، اشاره کرده است که‌آن راصفی الدین محمد بن معد موسوی،

ازفقهای شیعه، دریکی ازکتب حدیث قدیمی دیده بود. این روایت افزوده‌ای دارد که‌درروایت شیخ مفید نیست واین طاووس نیز برای تکرار نکردن روایت، به‌نقل این افزوده بسنده کرده است.

در هیچ یک از دو روایت فوق، به‌ساخت گنبد وساختمان به‌دستور هارون اشاره نشده است وهر دو روایت، باگزارش زیارت قبر پایان می‌یابد.

به‌نظر می‌رسد نقل قول ابن‌طاووس از این طخال، قدیمی‌ترین گزارش درباره ساخت گنبد روی قبر امیرمؤمنان علی^(ع) به‌دست هارون است ونویسندگان پس از وی، این دیدگاه را رواج داده‌اند. از جمله حسن بن محمد دیلمی (سده هشتم هجری) در ارشاد القلوب خود، تحریر مختصری از گزارش زیارت قبر امام علی^(ع) ازسوی هارون را به‌طریق مرسل از عبید... بن حازم، راوی روایت -نقل کرده ودرپایان افزوده است که‌به‌دستور هارون. گنبدی باچهار ورودی (که می‌تواند تداعی‌کننده چهارطاقی باشد) روی قبر امام^(ع) ساخته شد.

از میان نویسندگان معاصر، مرحوم شیخ محمد سماوی درارحوزه عنوان الشرف فی‌وئشی النجف - که‌درتاریخچه آستان علوی سروده، به‌ساخت گنبد به‌دستور هارون اشاره کرده است. به‌پیروی از وی، برخی آثار نوشته شده در تاریخ آستان علوی، ساخت گنبد به‌دستور هارون رانخستین ساختمان روی قبر امام علی^(ع) بیان کرده‌اند. ● واکاوی تاریخ ساخت نخستین گنبد آستان علوی در دیگر منابع تاریخی

در برخی از منابع تاریخی کهن ومنتقدّم، گزارش‌های دیگری درباره نخستین گنبد روی قبر امام علی^(ع) وجود دارد که‌با ادعای ساخت گنبد به‌دست هارون تعارض دارد ومؤید دو گزارش معارض آن در فرحة الغری ابن طاووس است. قدیمی‌ترین گزارش موجود، گزارش ابواسحاق صابی مبنی بر ساخت گنبد روی قبر به‌دستور محمد بن زید داعی علوی است که‌دربرخی منابع بعدی بازتاب یافته است.

همچنین دربرخی منابع از ساخت گنبد قبر امام علی^(ع) به‌دستور عضدالدوله دیلمی سخن به‌میان آمده است، البته نویسندگانی که‌از ساخت گنبد به‌دستور هارون سخن گفته‌اند، معمولاً نقش عضدالدوله را، بازسازی گنبد وتوسعه حرم علوی دانسته‌اند، نه اینکه وی را بانی نخستین بنای حرم علوی بدانند.

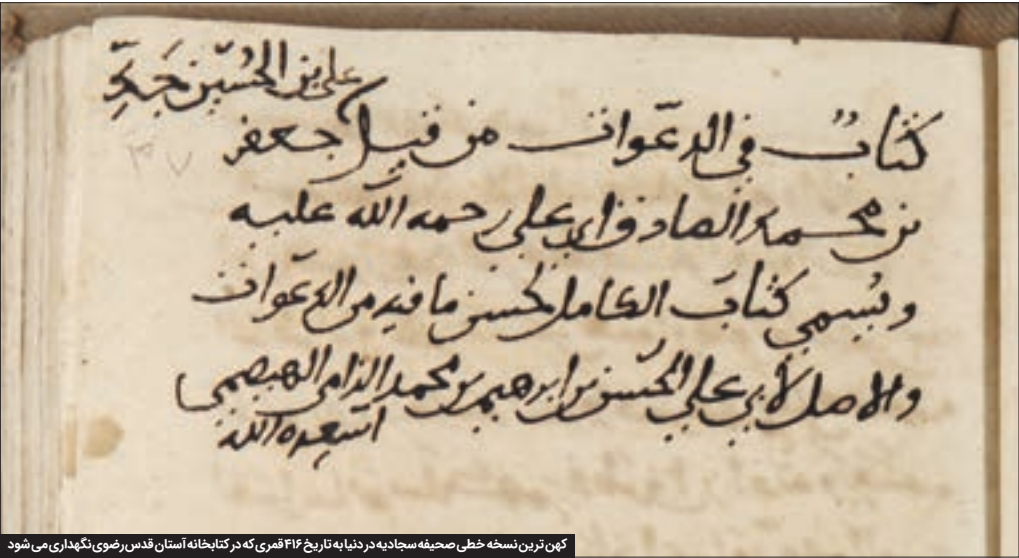
به‌هر حال باتوجه به‌گزارش‌هایی در متون تاریخی کهن که‌از وجود گنبدی روی قبر امام علی^(ع) پیش از دوره آل بویه سخن گفته‌اند، عضدالدوله دیلمی رانمی‌توان نخستین بانی آن به‌شمار آورد، هرچند اونقشی چشمگیر ومهم در توسعه ساختمان آستان علوی وشکل‌گیری بافت مسکونی یاشهرکی گرداگرد حرم مطهر داشته است. با توجه به‌منابع موجود، به‌نظر می‌رسد که‌درباره ادعای ساخت نخستین گنبد قبر امام علی^(ع) به‌دست هارون، روایت درست و قدیمی‌تر، شناسایی اتفاقی قبر پنهان امام^(ع) در پی مشاهده کرامتی از محل قبر که‌نخستین بار تقریباً در پایان سده چهارم در ارشاد شیخ مفید نقل شده است، با این حال در سده ششم، گزاره‌ای مبنی بر ساخت گنبد روی قبر شریف به‌دستور هارون، به‌روایت فوق افزوده شده و به‌تدریج به‌منابع دیگر راه یافته‌است ونویسندگان دوره‌های اخیر نیز با نقل گسترده این ادعا، به‌آن دامن زده‌اند.

در حالی که هیچ اشاره‌ای به‌ساخت گنبد امام علی^(ع) به‌دست هارون نکرده‌اند، بلکه حتی برخی منابع تاریخی کهن ومعتبر مانند التاجی ابواسحاق صابی، از ساخت نخستین گنبد روی قبر شریف به‌دست محمد بن زید داعی علوی سخن گفته‌اند. وجود دو روایت دیگر در باب کرامات قبر امام علی^(ع) که‌ابن طاووس در فرحة الغری نقل کرده، به‌طور کامل در تأیید این دیدگاه وتخریج آن بر روایت قبلی است.

از این‌رو می‌توان گفت که‌روایت ساخت نخستین گنبد قبر امام علی^(ع) به‌دست هارون جعلی وساختگی است و گزارش‌های تاریخی معتبر واصل، نشان می‌دهد که‌این گنبد نخستین بار، به‌دستور محمد بن زید علوی، در نیمه دوم سده سوم هجری- حذفاصل سال‌های ۲۷۳قمری (تاریخ یاد شده در گزارش فرحة الغری) تا ۲۸۷قمری (تاریخ نقل محمد بن زید) - ساخته شده ودر سال‌های پایانی همین قرن یانیمه نخست سده چهارم، به‌دست حاکمان شیعه دیگر همچون ابوالهیجاء ابن حمدان یاعضدالدوله دیلمی توسعه یافته است.

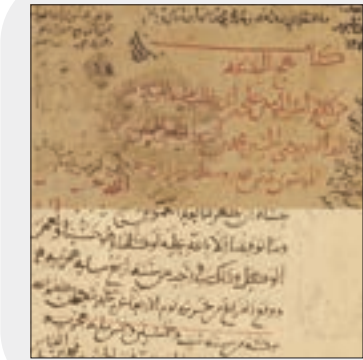
گفت وگوی شهرآرا با دکتر حسن انصاری، عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرینستون

حقایقی درباره نقد خرافه گرایی در میراث مکتوب شیعه



کهن ترین نسخه خطی صحیفه سجاده در دنیا به تاریخ ۴۱۶ قمری که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

شد. جریان اصولی متأخر ودر مقام مقابله با جریان اخباری گری درست است که بر نقد حدیث پای می‌فشرد، اما در چارچوب تلاش برای توسعه فقه اجتهادی راهی جز قبول خبر آحاد وتداوم مکتب حله در قبول حجیت خبر واحد نداشت. درست است که اصل نقد حدیث مورد قبول اصولیان و برخلاف اخباریان بود، اما قبول اجتهاد راه را برای تثویزیه کردن قبول حجیت خبر واحد باز می‌کرد. اجتهاد در کانتکستی که فقیهان اصولی مکتب وحید بهبهانی می‌فهمیدند به معنی قبول وتوسعه دایره حجیت ظن بود ودر این میان خبر واحد وظنون خاص حجیتش مورد قبول قرار گرفت و یکی از پایه‌های اصل قبول اجتهاد در فقه شد. با پذیرش چنین اصلی واز آنجا که نظام‌سازی برای فقه حد اکثری نیازمند وجود حدیث حد اکثری است از عصر وحید بهبهانی به این طرف راه‌های تازه‌ای برای گسترده کردن دایره احادیث صحیح و حسان در فقه شیعی ایجاد شد. بدین ترتیب در کنار آنچه قبلا به‌عنوان توسعه تبلیغات مذهبی در عصر قاجار از آن سخن گفتیم در میان فقیهان اصولی هم نوعی گشاده دستی در قبول اخبار آحاد وحجیت احادیث شکل گرفت ونقد حدیث با وجود گستردگی تدوین آثار رجالی در سده های نوزدهم و بیستم به حاشیه رفت. در واقع عمدتاً ادبیات رجالی در این دوران برای توسعه دادن به دایره احادیث صحیح نوشته می‌شد تا برای نقد و تنگ کردن دایره احادیث. خوشبختانه نقد حدیث در دوران جدید و آشنایی با شیوه های نقد آکادمیک و تاریخی متن های مقدس راه را برای نقد حدیث وسیره باز کرد. امروزه روشن تر شده است که فرایند شکل گیری ادبیات حدیثی چگونه بوده است، البته در سده نوزدهم و بخشی از سده بیستم در نقد حدیث در میان مستشرقان نوعی زیاده روی بدبینانه نسبت به اصالت حدیث نبوی شکل گرفت، اما در سده دهه اخیر روند نقد و بحث از اصالت احادیث شیوه ای علمی تر به خود گرفت. با این وصف همچنان وضعیت حدیث به ویژه در سده اول قمری در هاله‌ای از ابهام است.



ایشان به وحدت دین و اخلاقی و تعامل میان آن دو معتقد است و آن را از طریق فطرت توحیدی و فطرت اخلاقی تبیین می‌کند. در گفتار چهارم به اهمیت مسئله اخلاق و نقش آن در زندگی انسان پرداخته شده است. همهٔ اندیشمندان که دربارهٔ انسان و زندگی وسعادت و نیک بختی او پژوهش کرده‌اند، به جایگاه اخلاق در بهبود وضع زندگانی انسان واقف بوده وهمواره آدمیان را به پایبندی مسائل آن دعوت کرده‌اند. علامه نیز در آثار خود به ویژه «المیزان» از این مسئله غافل نبوده است. این گفتار دیدگاه ایشان را دربارهٔ اخلاق بررسی کرده است. آنچه در این نوشتار مدنظر بوده، طرح اطلاق اخلاق و رد نظریهٔ نسبیت اخلاقی است. در گفتار پایانی ابتدا شیوهٔ آشنایی انسان با بعد نفسانی خود از دیدگاه علامه گف و گو شده وسپس به تعریف نفس از منظر فیلسوفان پرداخته شده است. آنگاه دلیل‌های تجرد وغیرمادی بودن نفس وجدایی آن از بدن بررسی شده وسرانجام ایرادها وشبهه‌های منکران نفس مجرد از بدن به ویژه مادی گرایان مطرح واز نظر علامه طباطبایی به آن‌ها پاسخ داده شده است.

حدیث روبه‌رو شود. حاصل این احادیث در قالب کتاب‌های حدیثی مکاتب کوفه وقم وبغداد وخراسان بعدها مورد استفاده علامه مجلسی در بحارالانوار قرار گرفت. در طول سده های ششم وهفتم قمری هم تعدادی کتاب‌های حدیثی به‌هدف تبلیغات مذهبی و عمدتاً با مایه های خرافی وعوام‌گرایانه جعل وپیشنهاد شد ومأثورات شیعی را متأثر از خود کرد. در دوران صفویه وبعد قاجار و با افول تفکر خردگرایی دینی ورشد اخباری گری وبا قدرت گرفتن نهادهای مختلف دینی عوام‌گرا راه برای برجسته شدن ادبیات حدیثی غالی‌گرایانه یا خرافی‌گرایانه بیش از پیش هموار شد و متن‌هایی در حدیث مورد اقبال اهالی وعظ ومنبر ومربئه‌سرای و مدح گویی قرار گرفت که صرفاً به انگیزه تبلیغات مذهبی ومتقاعد کردن مخاطب عام یا کاملاً جعل شده بود یا ورژن‌هایی تغییر یافته شیعی ایجاد شد. بدین اصل بودند.

● آیتا متکلمان مقدم رویکرد محکم‌تری در نقد حدیث وپالایش ادبیات حدیثی داشتند؟ بله، جریان قدیم متکلمان در عصر شریف مرتضی با کنار گذاشتن اخبار آحاد وعدم باور به حجیت خبر واحد از یک سو واز دیگر سو با دنبال کردن نقد رجالی و تاریخی حدیث گامی مهم در مقابله با احادیث غیراصیل برداشت. در میان

اهل سنت خبر واحد حجیت دارد؛ بنابراین تنها راه ممکن برای نقد حدیث از نظر اهل سنت نقد رجالی حدیث است. به همین دلیل امامیه در کنار معتزله راهی آسان‌تر در نقد احادیث اهل سنت در موضوع‌های مختلف اعتقادی داشتند. با این همه بارش‌گرایش به حجیت خبر واحد در میان امامیه از سده پنجم به بعد از یک سو وبعداً با شکل‌گیری جریان اخباری‌گری توجه دوباره به احادیث آحاد در میان امامیه قوت بیشتری گرفت ونقد حدیث به ویژه از سوی اخباریان کنار گذاشته

کما اینکه در میان اهل سنت هم محدثان ورجالیان برجسته‌ای برای مقابله باجریان جعل وتحریف در حدیث ظهور کردند. ● مؤلفه های ادبیات حدیثی شیعه چه تفاوت با رزی با ادبیات حدیثی در میان اهل سنت داشت؟

تفاوت بارز در میان دو حدیث شیعی وسنی این بود که‌در حدیث سنی به‌سبب کهنگی وقدمت آن ووجود نهادهای قدرت سیاسی ودینی وتولیت آن‌ها نسبت به جریان تدوین حدیث از یک سو ونهی از تدوین حدیث در صدر عصر خلافت از دیگر سو متأسفانه شیوه‌های نقد حدیث تنها می‌توانست جلوی جعل احادیث بعدی را بگیرد، در حالی که‌عموما نمی‌توانست درباره شرایط جعل حدیث در سده‌های اول ودوم نظری داشته باشد، اما در تشیع به‌دلیل تأخیر در شکل‌گیری ادبیات حدیثی و همچنین وجود ادبیات مکتوب در میان اصحاب امامان محدثان امامی از همان آغاز کم وبیش راه‌های مطمئن‌تری برای حفظ حدیث از جعل وتحریف یافتند. علاوه بر اینکه در عمل امامان شیعه تعالیم خود را در قالب نقد احادیث منسوب به پیامبر در سنت سنی ارائه می‌دادند. به‌همه این دلایل حدیث شیعی کمتر از حدیث اهل سنت در معرض آفت جعل وتحریف بوده است.

● یکی از جریان‌های به‌وجود آمده در تاریخ حدیث شیعه، غلات هستند. آنان نیز با استفاده از ادبیات حدیثی اعتقادات خود را نشر می‌دادند. عالمان شیعه چه رویکردی در مقابله با آنان داشتند؟

به دلیل وجود غلات شیعی که بسیاری از آن‌ها ناچار بودند تعالیم خود را در قالب حدیث ارائه دهند وهم به‌دلیل تحولات مذهبی وبحران‌های مختلف فکری ودینی در تشیع امامی در طول سده‌های سوم وچهارم موجبات این مسئله فراهم شد که تشیع امامی با موعی از جعل یا اصلاح

امید حسینی نژاد
میراث حدیثی شیعه از زمان حضور معصومین^(ع) تا به امروز فرازو نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذارده است. در قرن نخست ودر سال‌های اولیه پس از رحلت پیامبر^(ص) جریان منع تدوین حدیث رخدادی عجیب در میان مسلمانان بود. با توجه به تأکیدهای شفاف ایشان بر ثبت وضبط احادیث، اما گروهی این مسیر را منحرف کردند وبا تکیه بر رأی شخصی خود مانع ثبت احادیث توسط مسلمانان شدند. اما شیعیان بارهنمودهای امامان^(ع) مسیر دیگری را پیش گرفتند. در زمان امیرالمؤمنین^(ع) کسانی چون عبید... بن رافع دفتر حدیثی داشت وروایاتی که‌از امام علی^(ع) می‌شنید در آن دفتر ثبت می‌کرد. دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی در کتاب ارزشمند «میراث مکتوب شیعه، دفاتر راویان حدیث را با تکیه بر منابع کهن شیعه معرفی کرده است.

در قرن سوم عوام حدیثی شیعه به‌صورت رسمی شکل گرفت. محمد بن یعقوب کلینی کتابی مهم درباره حدیث شیعه با عنوان اصول کافی در بغداد منتشر کرد. پس از او نیز شیخ صدوق و شیخ طوسی آثار ی بدین سبک منتشر کردند وعالمان پس از اینان نیز مسیر تدوین حدیث را بدین صورت ادامه دادند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات ادبیات حدیثی در میان مسلمانان، رواج احادیث جعلی و خرافی در میان منابع حدیثی بود. اهل سنت به‌دلیل وجود منع تدوین حدیث در قرن نخست بیشتر دچار چنین مشکلی بودند؛ اما شیعیان نیز به‌دلایل مختلف دچار این مشکل در ادبیات حدیثی شدند. عالمان در طول قرن‌های متمادی سعی داشتند تا میراث حدیثی را به‌صورتی نقادانه پالایش کنند تا سره از ناسره مشخص شود؛ اما هنوز هم برخی از این احادیث در میان سخنان برخی وعاظ به‌گوش می‌رسد. در این دوران مهم‌ترین وظیفه حدیث پژوهان مبارزه با خرافه‌گرایی و ادبیات جعلی در میراث حدیثی است. برای واکاوی بیشتر این مسئله گفت‌وگویی با دکتر حسن انصاری، حدیث‌پژوه و عضو هیئت علمی مدر سه مطالعات تاریخی پرینستون داشته‌ایم. آنچه می‌خوانید مشروح این گفت‌وگو است.

● میراث حدیثی مسلمانان در طول قرن‌ها تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. به‌نظر شما این تحولات را چگونه می‌توان باتوجه به ظرف زمانی خود تقسیم‌بندی کرد؟

حدیث سهمی مهم در منظومه اندیشه دینی ما دارد. بدون مواجهه نقادانه با حدیث هیچ گونه اصلاح اندیشه دینی ممکن نیست. در اسلام سلفی‌گرا، جریان تدوین حدیث تحت تأثیر دو سازمان سیاسی ودینی رسمی ونهادی بوده است: یکی در آغاز اسلام که حدیث در پیوند با نهاد قدرت و برای مشروعیت در عصر اموی والیته تا اندازه‌ای هم در آغاز عصر عباسی شکل گرفت. بیشتر این نوع احادیث که بخش مهمی از میراث حدیثی اهل سنت را شکل می‌دهد ساخته دوران اموی و آغاز عباسی است. این احادیث در پی مشروعیت دادن به دستگاه خلافت است و می‌خواهد رفتار واعمال آنان را در آینه سنت پیامبر ببیند. دسته دیگری از احادیث نبوی ساخته دوران‌های بعدی است. دوره‌ای که‌در آن محدثان نمایندگان تفکر ضد معتزلی وجهمی (پیروان جهم بن صفوان) بودند و تفسیر فشری و ظاهری‌گرا و لفظ‌گرا از قرآن را تنها تفسیر ممکن از آموزه‌های دینی و گزاره‌های الهیاتی قرآن کریم می‌دانستند. آنان در فاصله سده‌های دوم وسوم قمری، انبوهی حدیث در دفاع از آرای خود و در رد بر معتزله وجهمی ساختند. این احادیث واحادیث گروه اول در کتاب‌های حدیثی متنوعی به‌تدریج تدوین شد. بخشی از احادیث ادبیات حدیثی وسیره‌ای اهل سنت جعل تمام بود

نسخه نهج البلاغه از شهر «گنجه»

حسینی نژاد | از عالمان امامی که نقش مهمی در روایت وانتقال آثار سید رضی وسید مرتضی علم‌الهدی داشته، ابوالرضا فضل‌... بن علی بن عبید... راوندی است که اطلاعات مهمی درباره نقش وی در روایت آثار سید رضی در میان نسخه‌های خطی که شاگردان ابوالرضا راوندی بر اساس نسخه‌های او کتاب کرده‌اند، در دست است. اطلاعات اخیر همچنین دانش ما درباره عالمان امامی کاشان، فراهان، خومجان وجوشقان در قرن ششم و اوایل قرن هفتم

الهیات زندگی «علامه»



اصلی ارتباط تنگاتنگ دارد، پرداخته شده است که عبارتند از: معنا و مفهوم هدایت تشریعی وتکوینی، فکر و آگاهی وواقعیت‌های بنیادی فکری، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی اوست. یکی از برجستگی‌های بارز علامهٔ طباطبایی آن است که فیلسوف و اندیشمند زمانه بود. او با زمان، حرکت نکرد، بلکه در زمان، زیست. پرسش‌های زمانه رامی‌شنید، آن‌ها رامی‌پروراند وبرای پاسخ به آن‌ها می‌اندیشید. در ژرفای واقعیت‌های زندگی انسان‌ها راه می‌یافت. آن‌ها رامی‌کاوید ودر این فرایند کاویدن به اندیشه‌های کارساز و نوین برای بهبود وضعیت زندگی انسانی دست می‌یافت. کتاب، علامه طباطبایی والهیات زندگی، پژوهشی است دربارهٔ نگرش علامه طباطبایی، فیلسوف، مفسر، اندیشه‌ورز و اندیشه‌کاو معاصر ایران پیرامون مسئله‌هایی که با زندگی انسان‌ها پیوند ناگسستنی و درهم‌تنیدگی سرشتی دارد. مسئله اصلی در گفتار اول، نسبت میان ادراک‌های اعتباری والهیات اجتماعی تکوینی از منظر علامه طباطبایی است. برای واکاوی وتبیین این مسئله ابتدا به چند نکتهٔ بنیادی که با موضوع

آنچه علامه طباطبایی را در سدهٔ چهاردهم هجری از دیگر اندیشمندان متمایز ومتفاوت می‌سازد، توجه ویژهٔ او به انسان، زندگی وواقعیت‌های بنیادی فکری، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی اوست. یکی از برجستگی‌های بارز علامهٔ طباطبایی آن است که فیلسوف و اندیشمند زمانه بود. او با زمان، حرکت نکرد، بلکه در زمان، زیست. پرسش‌های زمانه رامی‌شنید، آن‌ها رامی‌پروراند وبرای پاسخ به آن‌ها می‌اندیشید. در ژرفای واقعیت‌های زندگی انسان‌ها راه می‌یافت. آن‌ها رامی‌کاوید ودر این فرایند کاویدن به اندیشه‌های کارساز و نوین برای بهبود وضعیت زندگی انسانی دست می‌یافت. کتاب، علامه طباطبایی والهیات زندگی، پژوهشی است دربارهٔ نگرش علامه طباطبایی، فیلسوف، مفسر، اندیشه‌ورز و اندیشه‌کاو معاصر ایران پیرامون مسئله‌هایی که با زندگی انسان‌ها پیوند ناگسستنی و درهم‌تنیدگی سرشتی دارد. مسئله اصلی در گفتار اول، نسبت میان ادراک‌های اعتباری والهیات اجتماعی تکوینی از منظر علامه طباطبایی است. برای واکاوی وتبیین این مسئله ابتدا به چند نکتهٔ بنیادی که با موضوع